

هرچند تحولات اخیر افغانستان به صورت سریع و غیرمنتظره اتفاق افتاد و مورد پذیرش هیچ کشوری به خصوص همسایگان نبود، اما هیچ راه چاره‌ای برای این کشورها باقی نگذاشت، مگر اینکه به ناچار به دلیل تأثیرپذیری مستقیم از نامنی، بی‌ثباتی، فقر و گرسنگی وارد تعامل با حاکمیت جدید شوند. پس از برگزرای دومین نشست وزرای خارجه همسایه افغانستان در تهران، حسن کاظمی قمی، نماینده ویژه جدید ایران برای افغانستان روز دوشنبه(۲۴ آبان) در رأین هیئتی راهی کابل شد دربارۀ موضوعات مختلف با مقام‌های دولت سرپرستی طالبان دیدار و از نزدیک پیرومن منافع دو کشور، به خصوص منافع مشترک مذاکره کند.

■ **الف: تأثیرپذیری‌های امنیتی**

اولین مسئله‌ای که ایران را وادار به رویکرد و دیپلماسی فعال می‌کند، تأثیرپذیری از این تحولات افغانستان، به خصوص آسیب‌های امنیتی آن است. درست است با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، از میزان نامنی و بی‌ثباتی به شدت کاسته شده، اما گزارش‌های نگران‌کننده‌ای در مورد فعالیت‌های پنهان و آشکار گروه‌های تروریستی به خصوص گروه داعش و سایر گروه‌های تروریستی و جابه‌جایی و حضور آنها در نزدیکی مرزهای دو کشور وجود دارد. آماده نبودن طالبان برای تأمین امنیت پایدار و جلوگیری از حملات بزرگ تروریستی، می‌تواند مثل حملات تروریستی هفته‌های گذشته، فاجعه بیافریند. به همین خاطر، نیاز به تعامل و برقراری ارتباط، یک امر اجتناب‌ناپذیر است.

گزارش‌های میدانی حاکی از هجوم سیل آسیای موج جدید مهاجران افغانستانی از طرق غیرقانونی به سوی ایران، می‌تواند با برخی تهدیدهای امنیتی نیز همراه باشد و برخی نیروهای تروریستی در قالب همین مهاجران غیرقانونی وارد کشور شوند. از این رو، ناکامی دولت سرپرست کنونی در افغانستان و رفتن این کشور به سوی هرج و مرج بی‌ثباتی و جنگ داخلی، تبعات زاینباری برای ایران خواهد داشت.

در پاسخ به برخی منتقدان رویکرد کنونی ایران نسبت به تحولات افغانستان که به صورت مشخص از عدم حمایت از جبهه مقاومت در پنجشیر نارضی هستند در این زمینه، پیوندهای گذشته را برجسته می‌سازند نیز به نظر می‌رسد واقعاً وضعیت افغانستان منطقه تهدیدهای امنیتی جدی‌تری می‌پایست روند ده‌های ۶۰ و ۷۰ متفاوت است و منطقه دیگر توان تحمل یک جنگ دیگر و تداوم بی‌ثباتی در افغانستان ندارد. به همین خاطر، هیچ گزینه‌ای جز رویکرد صلح آمیز و تعامل گزایانه با جدید حاکمه سرپرستی جدید در این کشور، نه تنها برای ایران و سایر کشورهای همسایه و منطقه، بلکه برای خود گروه‌ها و جریان‌های افغانستانی باقی نگذاشته است. در شرایط کنونی افغانستان، دیپلماسی، گفت‌وگو و مذاکره راهگشاست و

چش

■ **دکتر سیدر ضا میر طاهر**

بحران پناهجویان که از سال ۲۰۱۴ با رهسپار شدن صدها هزار نفر از اتباع کشورهای درگیر جنگ در غرب آسیا به ویژه عراق و سوریه و بعدها افغانستان به سوی اروپا آغاز شد، در چند سال گذشته به نفع‌اندازان مناطق فراز و نشیب‌هایی همچنان ادامه یافته است. ابتدا مسیر عبور پناهجویان از طریق ترکیه به یونان و از آنجا به سایر کشورهای اروپایی بود. در سال‌های بعد مسیر پناهجویان اهمیت بیشتری یافت و پناهجویان آفریقایی در کنار اتباع برخی کشورهای غرب آسیا، با استفاده از قایق‌ها و انواع شناورهای غیرایمن خود را از لیبی به جزیره ایالتیای لامپدوزا و از آنجا به سایر کشورهای اتحادیه اروپا می‌رسانند. با این حال در چند ماه اخیر مسیر جدیدی یعنی از ترکیه به بلاروس و از آنجا به لهستان و لیتوانی و عنوان دو کشور اروپای شرقی عضو اتحادیه اروپا توجه مهاجران غیر قانونی و پناهجویان قرار گرفته و باعث شکل‌گیری بحران جدیدی در روابط شرقی و غرب شده است. در واقع اکنون بحران پناهجویان در مرزهای بلاروس و لهستان از بحرانی اجتماعی و انسانی به بحرانی امنیتی تغییر وضعیت پیدا کرده که می‌تواند پیامدهای جدی بر وضعیت امنیتی اروپا بگذارد. در پی افزایش ورود پناهجویان از بلاروس، دو کشور لهستان و لیتوانی و در مرزهای خود با آن کشور وضعیت فوق‌العاده اعلام کرده‌اند.

■ **وضعیت وخیم پناهجویان**

وضعیت پناهجویان در مرز بین لهستان و بلاروس و در سایه سختگیری‌های ورشو بسیار فاجعه‌بار است. در حال حاضر در مناطق مرزی بین لهستان و بلاروس در حال حاضر حدود ۲ تا ۴ هزار پناهجو گرفتار شده‌اند. هردو کشور نیروهای را در مرزهای خود مستقر کرده‌اند. به دلیل فشارهای نیروهای مرزبانی بلاروس که این پناهجویان را وادار به حرکت به سمت مرز لهستان و گذر از آن می‌کنند و از سوی دیگر برخورد شدید نیروهای مرزبانی لهستان که برخورد خشونت‌آمیزی با این افراد دارند این

■ **رویکرد سیدعباس حسینی**



ضرورت‌های مجاورت

همسایگان افغانستان به خصوص ایران راه دیگری جز ارتباط و تعامل با دولت موقت در کابل ندارند و شرایط برای کابل نیز همین است

باید به تشکیل یک دولت فراگیر و همه‌شمول

با حضور جریان‌های مختلف سیاسی، قومی و مذهبی در این کشور کمک کرد تا جلوی تبعات زاینبار فراملی و ادامه بی‌ثباتی در افغانستان گرفته شود.

■ **ب: تأثیرپذیری اجتماعی–اقتصادی**

تداوم فقر و گرسنگی که این روزها افغانستان را درگیر یک بحران انسانی کرده می‌تواند هم موج جدید مهاجرت به سوی ایران را تقویت کند و هم زمینه سرازیرستی و فعالیت بیش از پیش گروه‌های تروریستی و تبعات امنیتی تحولات افغانستان را بیش از پیش کند.

از این رو ایران ناچار است در های خود را به روی صحنه بازی و اقتصادی را برای تاجران دو کشور فراهم کند تا روند مبادلات تجاری به حالت عادی بر گردد و چه اینکه نسبت به گذشته تقویت شود. الان مواد غذایی و سوختی دو نیاز فوری مردم افغانستان است که می‌پایست روند صادرات به این کشور با شرایط ویژه تسهیل یابد. کم‌اینکه در دو سفر استناداران پیشین و جدید خراسان رضوی به شهرهای هرات در غرب و کابل، پایتخت افغانستان و مذاکراتی که به نیابت از وزارت‌های امور خارجه و همچنین اقتصادی با طالبان انجام داد، دو طرف به توافقات بسیار خوبی در ۱۶ بدست یافتند که قطعاً در سفر نماینده ویژه ایران به کابل و هیئت همراه او، مورد بحث و بررسی و مذاکرات بیشتر دو طرف

پیر المملک

سرویس بین‌الملل ۹۸۴۴۴

که بتواند ایران را دور بزند که مستندات آن به روشنی وجود دارد، اما این جایگاه و موقعیت استراتژیک ایران وناچاری تاجران مردم افغانستان سبب شد که نه تنها روابط اقتصادی و تجاری دو کشور محدود نشود، بلکه شاهد روند صعودی چشمگیر آن نیز باشیم. در بعد سیاسی–امنیتی نیز به‌غم اینکه ایران، تنها و مهم‌ترین حامی دولت گذشته افغانستان دربارۀ روند صلح و مذاکرات بین‌الاقفانی در برابر توطئه‌های امریکایی بود، رویکرد اشرف غنی و کابینه او، به‌خصوص در حوزه‌های سیاسی امنیتی، خصمانه بود که در نهایت سبب شد به‌رغم چهار سال سال مذاکرات فشرده هیئت‌های دیپلماتیک طرفین برای نهایی‌سازی سند جامع همکاری‌های راهبردی بین افغانستان و ایران و نهایی شدن آن، این سند با کارشکنی به‌امضای دو طرف نرسد.

■ **نیازمندی دولت موقت طالبان**

البته شاید فراتر از نیامندی‌های متقابل ایران به تأمین ثبات و توسعه در افغانستان، این طالبان است که در این رابطه و تعامل مهم و سازنده نیاز دارد. جدای از ضرورت‌های کنونی برای ایران، این پیام‌های مثبت و روشن دولت موقت طالبان به ایران نیز بوده که زمینه‌ساز سفرهای دیپلماتیک به‌خصوص سفر نماینده ویژه در امور افغانستان به کابل شده است.

طالبان از یک طرف با بحران مشروعیت و انزوا وره‌رو بوده و مهم‌تر از آن، درگیر بحران اقتصادی فرا روی دولت و مردم این کشور است. این در حالی است که پس از تلاش‌های امریکا برای مشروعیت دادن سه طالبان و توافق صلح با آنها، حالا در یک چرخش ۱۸۰ درجه برای ناکامی مجدد روند دولت‌سازان در افغانستان و زمینه‌سازی تداوم بحران، بی‌ثباتی و جنگ، از یک‌سو دارای‌ها و پول‌های دولت و ملت افغانستان را مسدود کرده و موجب تقویت بحران اقتصادی و فقر و گرسنگی شده است و از سوی دیگر، با تقویت گروه‌های تروریستی به خصوص داعش و ایجاد اختلاف و انشعاب میان طالبان، به دنبال تطمیع و تضعیف دولت موقت است. دو کشور ایجاد کنند. کم‌اینکه توافقات ۱۶ بندی استاندارد پیشین خراسان رضوی با طالبان در کابل، نتایج گر چنین فضایی است.

■ **سابقه تنگ‌نظرانه**

نکنه قابل تأسف، نوع رویکرد دولت گذشته افغانستان به‌خصوص در حوزه تعاملات اقتصادی و تجاری با ایران است. به‌رغم روی گشاده و سهولت‌های زیادی که ایران در ۲۰ سال گذشته در حوزه روابط اقتصادی و تجاری با افغانستان فراهم آورده، متأسفانه نوع رویکرد دو دولت محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور فراجوی نسبت به ایران در این حوزه، تنگ‌نظرانه و محدودکننده بوده است.

اشرف غنی و وزرای اقتصادی کابینه او، به‌خصوص وزیر سابق تجارت همواره به دنبال محدود کردن تجارت با ایران و فراتر از آن، قطع روابط تجاری بودند. حتی اشرف غنی به دنبال ابداع و تقویت کردیدورهای منطقه‌ای بود

تشش

حلقه اتمی در زنجیر مهار چین!

پیشنهاد ارائه تسلیحات هسته‌ای به تایوان نشان می‌دهد
تایپه مرکز مناظره واشنگتن با یکن شده است

خواستار «را‌حل صلح آمیزی در مورد مشکل اتحاد مجدد» چین و تایوان شدند. آن دیدار و این بیانیه زمینه‌س‌صدر قطعه‌نامه ۲۷۵۸ مجمع عمومی سازمان ملل را فراهم کرد. این قطعه‌نامه در ۲۵ اکتبر ۱۹۷۱ صادر شد و نمایندگی کشور چین از هیئت اعزامی دولت جمهوری چین به رهبری کای شسنگ گرفته شد و به جمهوری خلق چین به رهبری مانو داده شد. در واقع، این جمهوری چین بود که همراه با ۵۰ کشور دیگر از پایه‌گذاران سازمان ملل سنشانه‌ته می‌شد اما چرخش امریکا به سمت کرسی خود را در سازمان ملل از دست بدهد بلکه دیگر نتواند همانند دیگر کشورهای دیگر دنیا بر خود‌دار از مناسبات عادی باشد و تاکنون توانسته تنها با ۲۱ کشور دنیا روابط رسمی داشته باشد.

■ **استراتژی ابهام**

امریکا با وجود پشت کردن به دولت تایوان در آن جریان، احتیاط را کنار نگذاشت و با تصویب قانون مناسبات امریکا با تایوان از طرف کنگره در ۱۹۷۹ سعی کرده موازنه‌ای را در روابط خود با یکن و تایپه برقرار کند. این موازنه بر اساس اصلی به نام استراتژی ابهام، StrategicAmb- چین بر تایوان» بیان کرد. به این ترتیب، دولت چین به این معنا که واشنگتن در قبال اقدامات تایوان از دیدگاه امنیتی و اقتصادی می‌شود که از ابتدای عادی‌سازی روابطش با

■ **پیشینه مسئله**

موضوع چین و تایوان به سال‌های قبل از جنگ جهانی بازمی‌گردد که اختلاف بین دو جریان جبهه ناسیونالیست‌های چین کومینتانگ به رهبری چیانگ کای شک و حزب کمونیست چین به رهبری مائو تسه‌تو منجر به وقوع رواریبی نظامی بین این دو جبهه و وقوع جنگ داخلی چین شد. این جنگ از ۱۹۴۶ تا پایان جنگ داخلی چین بود. دولت‌های امریکا و چین در زمان نیکسون به این سو همواره سیاست یکن تحت عنوان سیاست چین واحد، The principle of a single China این اصل را تأیید کرده و این موضوع را هم در آن بیانیه مشترک سه‌گانه تأیید کرده و حتی وعده کاهش حمایت نظامی امریکا از تایوان در جهت حل و فصل صلح‌آمیز میان چین و تایوان نیز داده است. با این وجود، جو‌بایدن رئیس‌جمهور فعلی امریکا و تیم سیاست خارجی او در این مدت نزدیک به یک سال رویه امریکا را به نحوی تغییر داده‌اند که استراتژی ابهام رفته رفته کنار گذاشته شده و حمایت‌های نظامی–سیاسی واشنگتن از تایپه شکل جدی‌تری به خود گرفته است.
بایدن در مصاحبه ۲۲ اکتبر در پاسخ به این پرسش که اگر چین به تایوان حمله بکند، آیا امریکا حاضر خواهد شد، او در این سؤال خواهد شد: «چنانچه امریکا از تایوان در مقابل حمله احتمالی دفاع می‌کند، وزیر خارجه او بلیکنک نیز ۱۰ نامبر تایوان حمله قرار کرد و چین بخوادش در زور برای تغییر وضعیت کنونی تایوان استفاده کند، ایسالات متحده و متحدانش دستت به اقدامی می‌زنند.» این سخنان تغییر آشکار در لحن بالاترین مقام‌های واشنگتن نسبت به مسئله تایوان است که باعث نگرانی شدید یکن شد زیرا دولت بایدن نه تنها از استراتژی ابهام گام به گام فاصله می‌گیرد بلکه لحن آن روز به روز خصمانه‌تر شده و عملاً یکن را بر سر قضیه تایوان به هم‌واردی می‌طلبد.

■ **نقطه رویارویی**

علاوه بر تغییر رویجه در سیاست دولت بایدن، محافل رستاه‌ای امریکا تحلیل‌های خود این پیام را به یکن می‌رسانند که امریکا در حال بازیگری استراتژی گذشته خود در قبال تایوان است. یک نمونه جالب، مقاله‌ای است که مایکل رابین رئیس‌سینسین سیرت، خارجی در پنجم نوامبر در وب‌سایت امریکن اینترپریز نوشت. عنوان مقاله این بود: «بله، تایوان به تسلیحات هسته‌ای نیاز دارد تا مانع چین برای رشد» او در این مقاله می‌مورد استفاده از اختیار تایوان بگس‌دار تا مانع از رشتۀ زنجیره ه‌تایوان چین شود. روشن است که چنین قلم‌رفس‌هایی فراتر از گمانه‌زنی صرف است و باید آن را زمینه‌سازی برای تحولات بعدی دانست اما چرا امریکا در این حد خطرناک در مورد تایوان مانور می‌دهد؟ در پاسخ باید گفت که موضوع به رشتۀ زنجیره‌های مربوط می‌شود که امریکا با ایجاد یک نظام اتلافی از ژاپن تا جزیره لوزون، فیلیپین، بورنیو تا خط ساحلی ویتنام کشیده و جزایر تایوان درست در مرکز این رشتۀ زنجیره قرار دارد. امریکا با ایجاد این محدوده آب‌های دریای زرد، سواحل شرقی این کشور و دریای جنوبی چین است. بنابراین، چین برای رهایی از این زنجیره چاره‌ای ندارد جز اینکه بر جزایر تایوان مسلط شود تا اینکه دسترسی کامل به اقیانوس آرام و هند داشته باشد. به عبارت دیگر، مسئله تایوان در حال حاضر بسیار بیشتر از مطالبات ارضی یکن

نتیجه آن سفر اعلام نشده کیسینجر به یکن است. کیسینجر آمد زیرا تنش مرزی بین جمهوری خلق چین و اتحاد جماهیر شوروی بالا گرفته بود و این زوج می‌توانستند تغییر را‌هبرد امریکا در قبال چین را برای نخبگان سیاسی واشنگتن توجیه کنند. به این ترتیب، این زوج دست به کار شد و پیام‌های محرمانه خود مبنی بر تمایل به عادی‌سازی روابط به یکن فرستاد. وقتی مائو تسه‌تو‌نگ در اوایل ۱۹۷۱ تم ملی پیینگ‌پنگ امریکا را برای بازی دوستانه با رقبای چینی به یکن دعوت کرد، دیپلمات‌های امریکایی نیز در میان آنها بودند تا مذاکرات را به صورت نزدیک‌تری دنبال کنند. آن اتفاق مشهور به دیپلماسی پیینگ‌پنگ، Ping-pong diplomacy شد و نتیجه آن سفر اعلام نشده کیسینجر به یکن در ژوئیه همان سال و اعلام سفر نیکسون به یکن در فوریه سال بعد بود. سفر این زوج به یکن در فوریه ۱۹۷۲ رویداد تاریخی بود که منجر به بیانیه مشترک‌ی شد. هر دو طرف در این بیانیه تایوان را بخشی از چین دانستند و امریکایی خواهد شد.

^[1] این بیانیه تایوان را بخشی از چین دانستند و امریکایی خواهد شد

^[2] این بیانیه تایوان را بخشی از چین دانستند و امریکایی خواهد شد

^[3] این بیانیه تایوان را بخشی از چین دانستند و امریکایی خواهد شد